

سبک ادبی شعر فارسی امین اشنویی

فرهاد کاکه‌رش^۱

چکیده

محمد امین بلدی معروف به امین اشنویی، یکی از شخصیت‌های ادبی، مذهبی، عرفانی و اجتماعی معاصر کردستان (اشنویه) است. مقاله پیش رو درصدد تبیین و معرفی سبک ادبی اشعار امین اشنویی است. برای دستیابی به این هدف از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که مسائل ادبی و ساختار اشعار امین اشنویی، دستخوش تغییرات بسیار محسوسی نشده است و از نکات ادبی مرسوم شعر روزگار خویش چون تکرارها، انواع جناس و تصویرهای پرمعنی و بدیع، استعاره و تشبیهات، غافل‌نمانده است. هرچندکه متأثر از شاعران سبک بازگشت در غزل‌سرایی است اما بسامد متوسط تشبیهات، استعارات، واژگان و اصطلاحات نو و ابتکاری یا به طور کلی نوآوری‌ها و بازتاب بالای انواع تلمیح در شعر امین اشنویی نیز چشمگیر است و می‌تواند بیانگر سبک شخصی وی باشد.

کلیدواژه‌ها: امین اشنویی، سبک‌شناسی، اشعار فارسی، صنایع ادبی

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران. farhad_kakarash@yahoo.com

مقدمه

سبک را شیوه بیان در گفتار و نوشتار دانسته‌اند. سبک، در واقع سامان و حرکت تفکر آدمی درباره چیزها و پدیده‌ها است: سامان و حرکتی که با خواص و کیفیت چیزها مناسبت دارد و با آن‌ها هم ساختار است (عبادیان، ۱۳۷۲: ۹) فرشیدورد معتقد است سبک در لاتین قدیم ابتدا به معنی قلم‌کنده‌کاری و حجاری بود، ولی در لاتین متأخر معنی آن گسترش یافت و از آن هنگام تا چندی پیش، به معنی ویژگی‌های خاص نوشته است از نظر خوبی و بدی آن (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۶۵۳-۶۵۴)

در حقیقت سبک یک نوشته و اندیشه صاحب اثر با هم ارتباط نزدیکی دارد. شعرا و نویسندگان با خلق آثار خود، از نظر علمی، ادبی، هنری و... ارزش و اعتباری را کسب می‌نمایند. میرزا محمدامین بلدی معروف به امین اشنویی، یکی از شخصیت‌های مذهبی، عرفانی و اجتماعی معاصر، متولد ۱۲۶۸ شهرستان اشنویه در استان آذربایجان غربی است؛ او به زبان کردی اشعاری دل‌نشین دارد و با سرودن دیوان فارسی در قالب‌های قصیده، مخمس و دوبیتی به‌ویژه در غزل، در شعر و ادب فارسی هم نقشی ماندگار به جا گذاشته است. او در پیروی از غزل صوفیانه شعر کلاسیک و تعلیمی، جایگاهی داشته و توانسته با نگاهی نو، در تعلیمات تصوف و مسائل دینی و مذهبی، پیوند درون‌مایه‌های شعری با مضامین اجتماعی، در لایه‌های مختلف جامعه نفوذ کند؛ به‌گونه‌ای که مقبول خاص و عام افتد. مضامین گیرا و دلکش، تشبیهات و تلمیحات ارزشمند، زبان روان و موزون در غزل، از امتیازات اوست.

با توجه به برخی ویژگی‌های برشمرده شده در مورد امین اشنویی و هنر شاعری‌اش، پژوهش حاضر با تکیه بر وجوه تمایز و با اعتقاد به این که اشعار فارسی وی، قابلیت بررسی سبک‌شناسی را داراست؛ نگارنده بر آن است تا با تحقیق و پژوهش در مورد این شاعر و مطالعه دقیق منظومه ایشان، به مطالعه سبک‌شناسانه ادبی اثر فارسی او بپردازد؛ تا بدین گونه شخصیت ادبی و اثر ناشناخته‌اش معرفی شده و سهم وی در ادب فارسی تا حدی مشخص شود و زمینه پژوهش‌های دیگر نیز فراهم گردد.

پرسش اصلی این است که: ویژگی‌های سبک شعری امین اشنویی از نظر ادبی چگونه است؟ و بررسی سبک شناسانه اثر او تا چه حد در شناخت شعر و شخصیت وی مؤثر است؟ در ضرورت تحقیق بدیهی است که گستره ادبیات فارسی از ظرفیت بالایی برخوردار است و می‌توان از رویکردهای گوناگون در متون ادبی آن پرداخت و به این نتیجه دست یافت که هنوز بخش‌های بکری از ادبیات ما باقی مانده که می‌تواند ما را در شناخت و غنای هرچه بیشتر تمدن و فرهنگ ما یاری کند. بررسی سبک شناسانه اشعار فارسی امین اشنویی یکی از کارهای سودمند برای گسترش زبان و ادبیات فارسی است.

پیشینه تحقیق

برای پیشینه تحقیق، نگارنده با تحقیق و جستجوهای انجام گرفته، به این نتیجه رسیده که تاکنون در این زمینه پژوهشی انجام نشده است. تنها دو مقاله از نگارنده در کنگره‌های بین‌المللی در اسفند ۹۶ (در دانشگاه قم) و مهر ۹۷ (در دانشگاه شیراز)، ارائه و چاپ شده که در تحلیل زندگانی و افکار و اندیشه‌های دینی امین اشنویی بحث شده است.

چارچوب نظری تحقیق

میرزا محمدمین بلدی معروف به امین اشنویی (۱۳۳۳-۱۲۶۸)، یکی از شخصیت‌های مذهبی، عرفانی و اجتماعی پارسی‌گوی معاصر کرد است. وی در سال ۱۲۶۸ شمسی در شهر اشنویه در خانواده‌ای مرفه و سرشناس دیده به جهان گشود. امین یگانه فرزند خانواده بود و پدرش زبده‌ترین استادان آن زمان را برای تعلیم فرزندش به یاری طلبید. امین در یازده سالگی پدرش را از دست داد. از عظمت روحی این شخصیت تاریخ معاصر کُرد آن است که وسوسه ثروت و مکت و نام و شهرت، نتوانست وی را از تحصیل مسائل علمی و کسب فضایل معنوی و اخلاقی باز دارد. امین به خاطر عزت و احترام خاصی که در میان مردم داشت به‌عنوان شهردار اشنویه انتخاب شده و شهرت بلدی از بلدی (شهردار آن زمان) اخذ شده است و بعدها سمت‌هایی نظیر ریاست فرهنگ و ریاست اداره ثبت و احوال داشته و جدای پرداختن

به کار طبابت، آخرالامر شغل والای معلمی و کار تدریس را پیشه خود ساخته است. امین اشنویی در تدریس فقه و احکام الهی سمت استادی داشت و نبوغ خود را در این زمینه نیز به اثبات رسانده بود. سخاوت امین زبان‌زد خاص و عام است. امین اشنویی در طب گیاهی شهرت داشته و کار طبابت را بدون هیچ چشم‌داشتی برای بیماران و مستمندان انجام می‌داد. دیوان اشعار امین اشنویی به زبان‌های کردی، فارسی، ترکی و عربی است و کتابی در رابطه با طب گیاهی نیز تألیف نموده و مولود نامه در مدح و زندگینامه پیامبر اکرم^(ص) نوشته است.

اشعاری کردی امین بلدی شیوا و دل‌نشین است و با سرودن دیوان اشعار فارسی در قالب‌های، (غزل، مثنوی، مخمس) در شعر و ادب فارسی هم نقشی ماندگار به جا گذاشته است. دیوان وی را می‌توان از رویکردهای مختلف بررسی کرد. با توجه به اینکه وی از ادب آموخته‌های مساجد و مکتب‌خانه‌های دینی و خانقاهی بوده که در ترویج مسائل اسلامی تلاش کرده‌اند، دیوان اشعارش مملو از معانی عرفانی و اسلامی است.

زبان کردی یکی از زبان‌های ایرانی است که آثار فراوانی از نظم و نثر را در خود جای داده است. «زبان و ادب کردی زبان فرهنگی وسیع و گسترده‌ای است که در مدت زمان طولانی عمر خویش با زبان و ادب فارسی در ارتباط تنگاتنگ بوده و هست و شاخه‌ای از زبان ملی ما ایرانیان محسوب می‌گردد.» (کاکه‌رش، ۳: ۱۳۷۸) اغلب شاعران کُرد تحت تأثیر قرآن و آموزه‌های اسلامی مکتب‌خانه‌های بومی و مساجد و مدارس دینی و خانقاه‌ها، ذهن و زبان و اندیشه‌هایشان به مفاهیم اسلامی و عرفانی مزین و آراسته بوده است و با توجه به استعداد ذاتی و ذوق هنری و شاعری در زیباترین جلوه‌های کلام و ادبیات توانسته‌اند هنرآفرینی کنند و آن مفاهیم و مضامین را در بیان آورند از طرف دیگر، یکی از هنرهای ترجیحی از قرن ششم تا به امروز به‌ویژه در شعر کلاسیک فارسی (برای شاعران) استفاده از تلمیحات و اشارات و تلمیحات اسلامی، عربی و عرفانی بوده و شاعران کُرد هم خود به این موضوع توجه کرده و هم تحت تأثیر شاعران بزرگ فارسی بوده‌اند و تا حد توان و معمول به این کار در شعر

خویش مبادرت ورزیده‌اند، به طوری که بسیاری از دیوان‌های شعر کلاسیک کُردی نیاز به شرح و تفسیر دارد و از این زاویه پژوهش در آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. بدیهی است که سبک‌شناسی، از جمله علوم ادبی است که امروزه اهمیت خاصی دارد و یکی از شیوه‌های مهم برای پی بردن به ویژگی‌های یک اثر و به دست آوردن معیاری از روش هنری یک هنرمند، تحلیل سبک‌شناختی آثار او بر اساس زبان و ویژگی‌های دیگر آثار اوست. سبک یک نوشته و اندیشه نویسنده آن با هم ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی دارد. تحلیل و شناخت آثار ادبی، رویکردی علمی و روش‌مند در مباحث سبک‌شناسی است و در شناخت و بررسی شیوه خاصی که شاعر برای بیان مفاهیم در اثر خود، از آن استفاده نموده، اهمیت بسزایی دارد. در این رویکرد، شناخت عناصر سبکی - هم از نظر زبانی و ادبی و هم از نظر مایه‌های فکری پدیدآورنده - در نشان دادن ذهن هنری شاعر و قدرت خلاقیت او، پژوهشی ارزشمند است.

روش پژوهش

روش پژوهشی این مقاله، در اساس مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا و واحد تحلیل، بیت است، اما به لحاظ ماهیت و روش در شمار تحقیقات توصیفی - تحلیلی قرار می‌گیرد. هدف اصلی در این پژوهش، بررسی سبک‌شناسی ادبی و تا حدی سبک شخصی امین است. مقصود از سبک شخصی یک شاعر، مجموعه ویژگی‌هایی است که شعر او را از شعر عامه شاعران آن روزگار متمایز می‌سازد به گونه‌ای که بتوان یک دستگاه فکری منسجم در شعرش سراغ گرفت و نیز باید دید که آن اندیشه یا دستگاه فکری تا چه حد ارزشمند و قابل‌پذیرش است. معیار سنجش و تشخیص در این پژوهش، بررسی ویژگی سبکی ادبی اشعار فارسی اوست؛ به‌ویژه خصوصیتی که خاص شعر وی یا هنرنمایی زیباشناسیک در آن‌ها بیشتر نمایان است؛ مانند تلمیحات که شامل تلمیحات اساطیری، تاریخی، دینی و... شیوه غزل‌پردازی، صور خیال (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) و بسامد آن در شعر ایشان است و... با دقت در گزینش زبان و ادبیات امین در اشعارش و بررسی بسامد ویژگی‌های سبکی وی، ما را به این مهم رهنمون می‌سازد که اشنویی سهمی هرچند متوسط در ادبیات معاصر داشته است.

محدوده این پژوهش دیوان اشعار وی بوده و تحقیق بر روی کل اشعار صورت گرفته است. به دلیل محدودیت حجم مقاله به الگوها و نمونه‌هایی پرداخته شده است. غزلیات امین اشنویی مشتمل بر ۱۲۳ غزل و شامل ۹۲۴ بیت است. کوتاه‌ترین غزل وی ۵ بیت دارد با مطلع:

روی مه پیکر تو سیر ندیدم رفتی بوسه‌ای از لب لعلت نجشیدم رفتی
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۸۸)

بلندترین آن هفده بیت است با مطلع:

جبار لایزال خداوند اکبر است دارای بحر رحم ز دنیا و محشر است
(همان: ۹)

بحث و بررسی

بدیهی است که پدید آمدن یک سبک، حاصل بسامد و تکرار نشانه‌هاست. امین اشنویی هم در اشعارش با تکیه بر پیوند دیرینه قالب غزل کلاسیک و زیبایی‌های آن با نوگرایی‌های فکری برای بیان دریافته‌های خویش، از ابزار گوناگون استفاده می‌کند تا پیامش را با هنرنمایی انتقال دهد. در اینجا (فقط از نظر ادبی)، اشعار موجود در دیوان اشعار فارسی امین اشنویی مورد بررسی سبکی قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ادبی غزلیات

عنصر اصلی شعر صورت‌های خیال است که پیوند میان انسان و اطرافش ایجاد می‌نماید شاعر در آفریدن تصویرهای خیال‌انگیز با تبدیل اشیا به صورت‌های عاطفی و انسانی، کلام خود را از حالت عادی فراتر می‌برد و عواطف خواننده را برمی‌انگیزد و شناختی تازه از اشیا و امور به او می‌دهد. صور خیال علاوه بر این که سبب تمایز شعر از نثر عادی می‌شود، ظرفیت زبان را برای برانگیختن عاطفه افزایش می‌دهد (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۳: ۳۰)

تازگی و غرابت دنیای شعر و شاعری نسبت به دنیای عادی انسان‌ها در تخیل‌گرایی و ظرافت خیال و اندیشه است و عنصر خیال در پدید آوردن شعر نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. تخیل در این مفهوم ادبی معمولاً در چهار لایه تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز خودنمایی می‌کند و توأم با عاطفه، نبوغ و ذوق شاعر را نمایان می‌کند. پورنامداریان می‌گوید: «توجه

به صور خیال از آن جا اهمیت پیدا می‌کند که تصویرسازی‌های خیال‌انگیز به اثر ادبی و مخصوصاً شعر زیبایی خاصی می‌بخشد و باعث لذت بردن مخاطب می‌شود... صورت‌های خیال‌انگیز اگر خالی از زمینه عاطفی باشد خودبه‌خود بی‌ارزش و بی‌اثر است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۱۵۸)

تشبیه

تشبیه در علم بیان به معنی مانند کردن چیزی به چیز دیگر است به طوری که همانندی و مشابهت نوعی تازگی یا برجسته‌سازی در آن باشد. شفیعی کدکنی معتقد است: «در تشبیه می‌توان بسیاری از امور متباین و متضاد را که از نظر حس و تجربه عقلی، دور از یکدیگر قرار دارند در یک موضوع جمع کرد. در واقع تشبیه، باعث مجسم ساختن و مثل کردن چیزی است که خود غایب است و به‌طور عادی ظهوری ندارد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۷۲)

الف) تشبیه به اعتبار طرفین (حسی و عقلی)

مراد از حسی اموری است که به یکی از حواس پنج‌گانه چشایی، بینایی، بساواپی، شنوایی و بویایی قابل درک باشند؛ یعنی به‌طور کلی وجود عینی داشته باشند. مراد از عقلی در اصطلاح علم بیان سنتی هر چیزی که با یکی از حواس خمسسه قابل درک نباشد (شمیسا، ۱۳۷۴: ۶۲-۶۳)

ب) تشبیه حسی به حسی

گاهی هر دو طرف تشبیه، یعنی مشبه و مشبه‌به حسی است یعنی با یکی از حواس ظاهر قابل درک و دریافتند. «تصویر حسی محصول یک تأثیر حسی از یک شیء خارجی است که بر ذهن می‌تابد و ذهن مثل آینه آن را با کلمات منعکس می‌کند.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۰۰)

به چهره همچو خزان و به قد خمیده کمان همیشه زار و ضعیف و ملول و معلول است (اشنویی، ۱۳۷۶: ۲۰)

بی روی توام اشنود چون گوشه زندان افکندی مرا زینسان در رنج و بلا رفتی (همان: ۸۷)

پ) تشبیه حسی به عقلی

در این تشبیه، مشبه حسی و مشبه‌به عقلی است و شاعر امور حسی را به امور عقلی تشبیه می‌کند. «از نظر تئوری این نوع تشبیه نباید وجود داشته باشد چون غرض از تشبیه این است که به کمک مشبه‌به که در صفتی اعرف و اقوی از مشبه است حال و وضع مشبه را در ذهن تقریر کنیم و عقلی همیشه نسبت به حسی اخفی است از این‌رو در این‌گونه تشبیهات شاعر خود وجه‌شبه را که مورد نظر اوست ذکر می‌کند. بدین ترتیب این‌گونه تشبیه همواره مفصل است و اگر مجمل باشد یا فهمیده نمی‌شود و یا فهم آن دقیق و متفق‌علیه نیست.» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۶۴)

بی توام در نظر اشنود چو زندان غم است که مرا صبر دل از قامت رعنای تو بود
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۳۲)

ای طاق ابروانت همچون هلال احمر یاقوت دو لبانت پوشیده در دو گوهر
(همان: ۴۲)

دیدن روی چو ماهت همه دم شادی جان از لب همچو شکر بوسه انعام تو خوش
(همان: ۵۱)

همچنین نک: صفحات ۱۰، ۱۱، ۳۲، ۴۷، ۵۰، ۶۰، ۸۴

تقسیم تشبیه از دیدگاه ادات و وجه‌شبه

می‌دانیم که تشبیه در زبان فارسی با به کار بردن کلماتی (ادات تشبیه) از قبیل مانند، چون، همچون، شبیه، چنان، چنانکه، آن‌چنان، گویی، گویا، گویا، توگویی، همان‌گونه، به همین‌طور، مانا، بسان، سان و... و در عربی با ادات کأن، مثل، ک و... بیان می‌شود و گاهی هم بدون ادات تشبیهی آورده می‌شود و به همین‌گونه است وجه‌شبه که گاه ذکر نمی‌شود و گاه حذف می‌شود. اکنون باید دانست که از دیدگاه ذکر و حذف ادات یا وجه‌شبه، تشبیه را پنج بخش کرده‌اند. (تجلیل، ۱۳۸۵: ۵۴)

الف) تشبیه بلیغ

این نوع تشبیه خیال‌انگیزی و ابهام بیش‌تری در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. به تشبیهی که هم ادات و هم وجه‌شبه آن حذف شود بلیغ گفته می‌شود که رساترین و زیباترین نوع تشبیه به شمار می‌آید چرا که ادعای همانندی و اشتراک بین مشبه و مشبه‌به در این رابطه قوی‌تر است (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۸)

تو غفوری و غفاری و کریمی و رحیم
اشقیا را تو کنی از کرم خویش سعید
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۳۵)

نور شمع خاندانی شادی دل‌های ما
غنچه باغ جهانی گنج مقصد را کلید
(همان: ۳۷)

چون بلبل شیدا من از هجر تو می‌نالم
تو غنچه گلی بودی کز باد صبا رفتی
(همان: ۸۷)

ب) تشبیه مفصل

تشبیهی است که مانروی (وجه شبه) در آن آورده شده باشد (کنازی، ۱۳۶۸: ۶۹)
رخ چون ماه تابانت کند روشن شب تارم مبادا تا قیامت ماه من هرگز زوال تو
(همان: ۸۴)

پ) تشبیه مرسل

تشبیهی که در آن ادات تشبیه ذکر شده باشد. با آمدن ادات تشبیه مقداری از کوشش ذهن برای یافتن ارتباط کاسته می‌شود و ذهن فعالیت کم‌تری می‌کند و پس از کشف ارتباط، خواننده چندان لذت نمی‌برد (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۲، ۶۶)
ز تاب دوری خورشید رؤیت امین چون شمع می‌سوزد به هر شب
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۸)

فدای چشم سیاهت شوم که خمار است غلام روی چو ماهت شوم که گلنار است
(همان: ۱۲)

ت) تشبیه مؤکد

تشبیهی که در آن ادات تشبیه حذف شده باشد. با حذف ادات تشبیه، تشبیه با ابهام بیش‌تری همراه می‌شود و خواننده را به تأمل وامی‌دارد. حذف ادات که اندک‌اندک تشبیه را به استعاره نزدیک می‌کند، عاملی است برای نیرو بخشیدن و پرتأثیر کردن تشبیه، زیرا غرض اصلی عینیت بخشیدن به دو چیز مختلف است و چون ادات حذف می‌شود، عینیت محسوس‌تر و دقیق‌تر بیان می‌شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۶۶)

چرا از حال من بینوا نمی‌پرسی که از فراق رخت روز من شب تار است
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۱۲)

ث) تشبیه مجمل

کزازی در تعریف تشبیه مجمل می‌گوید: «گاه سخنور مانروی (وجه شبه) را در سخن نمی‌آورد، زیرا مانروی پنداری است شناخته و ناگفته پیدا. این‌گونه از تشبیه، مجمل خوانده شده است.» (کزازی، ۱۳۶۸: ۶۸) این نوع تشبیه برای کشف پیوند دو طرف تشبیه، مخاطبش را به کوشش وامی‌دارد. تشبیهاتی که وجه شبه آن‌ها ذکر نمی‌شود، هنری‌تر و خیال‌انگیزتر است. شمار تشبیهات مجمل در تشبیهات امین اشنویی متوسط است.

ج) تشبیه نهان (اضمار)

«تشبیه نهان آن است که سخنور به‌راستی تشبیهی را در سخن خود آورده باشد، اما ساخت تشبیه، آشکارا، در سخن به کار گرفته نشده باشد، آن‌چنان‌که گویی خواست او تشبیه نبوده است. از آنجا که تشبیه، در این‌گونه از آن، در سخن آشکار نیست، آن را تشبیه نهان می‌نامیم (کزازی، ۱۳۶۸: ۷۶)

گر رؤیت دو مه به یکی جای محال است روی تو چرا چون مه و ابروت هلال است
آیینه‌گر از آه کند رنگ تبدیل پس روی تو از باد چرا صاف و زلال است
آن نقطه مشکین به رخ صفحه کاغذ آن داغ دل عاشق یا دانه خال است
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۱۳)

تشبیه تفضیل

«آن است که بعد از تشبیه، چیزی به چیزی، وجه تفضیل مشبه بر مشبه‌به را بیان کند.» (شمس قیس رازی، ۱۳۶۰: ۳۱۰) یا «چنان بود که شاعر از تشبیه کرده باز ایستد و بازگردد و

چیزی ثابت کرده را نفی گرداند بر سبیل مبالغت، چنان‌که روی را به ماه قیاس کند و رخ را به لاله و آن‌گه بازگوید ماه را کسوف است و لاله نیاید.» (رادویانی، ۱۳۶۲: ۵۱)

من اندر گلشن خوبی ندیدم چو روی تو گلی در گلستان خاص
چرا گل آب روی خود نریزد چو بیند روی تو گردد عیان خاص
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۵۳)

استعاره

«تشبیهی که در آن یکی از طرفین حذف شده باشد. استعاره بزرگ‌ترین کشف هنرمند و عالی‌ترین امکانات در حیطه زبان هنری است و دیگر از آن پیش‌تر نمی‌توان رفت. استعاره کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی در کلام است.» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۴۲) امین اشنویی برای تصویر آفرینی شعر خود و پرداختن به امور پیرامون خود از این صور خیال به خوبی استفاده کرده است.

الف) استعاره مصرحه: «استعاره به کار بردن واژه‌ای به جای واژه دیگر به علاقه مشابهت (به شرط وجود قرینه) است. یا تشبیهی است که از آن فقط مشبه به باقی مانده است. به این نوع استعاره، استعاره مصرحه یا تصریحیه یا محققه یا تحقیقه می‌گویند. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۴۶)

ب) استعاره مکنیه اضافی

نیش است نوش دهر امین ساقی زمان جامی به کس نداد که تا پر بلا نکرد
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۳۰)

مسجد اعظمی و مدرسه ویران شده‌اند رونق هردو بر آن نرگس شهبالی تو
(همان: ۳۳)

وقت آن است که بدرود کنم دار جهان روشن آرای جهانم رخ یکتای تو بود
(همان)

«نسبت دادن اعمال، افعال و خصوصیات و عواطف انسانی به موجودات طبیعی و عناصر بی‌جان و مفاهیم انتزاعی یا غیر محسوس و ذهنی را تشخیص گویند. به این معنی، «تشخیص یعنی جان بخشیدن صفات و خصایص انسانی به اشیا و مظاهر طبیعت و

موجودات غیر ذی‌روح یا امور انتزاعی است. در غزل معاصر این ویژگی فضای غزل امروز را مملو از حرکت و نشاط کرده است. ایجاد چنین فضایی حاصل تخیل شاعر و نتیجه رسوخ فکر او در ذات و کنه اشیا و مفاهیم ذهنی و در نهایت احساس یگانگی با آن‌هاست. قابل ذکر است که یکی از زیباترین، گونه صور خیال در شعر، تصرفی است که ذهن شاعر در اشیا و عناصر بی‌جان می‌کند و از رهگذر نیروی تخیل به آن‌ها حرکت و جنبش می‌بخشد.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۴۹)

فتاد گردن صبرم چنان به دام فراق که گشت مرغ امیدم همیشه رام فراق

(اشنویی، ۶۱: ۱۳۷۶)

تا چند همچو مجنون بینم ز هجر لیلی در پای گردن خود از عشق صد سلاسل

(همان: ۶۴)

کنایه

«کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند، پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و به کار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد، چنان که بگویند «پخته‌خوار» به معنی مردم تنبلی که از دست رنج آماده دیگران استفاده می‌کنند. یا بگویند: «فلان کس بند شمشیرش دراز است» یعنی قامتش بلند است.» (همایی، ۱۳۸۶: ۲۵۶)

برای گفتن توحید خود آماده کن یارب به وقت نزع جان آخر نفس تیغ زبانم را

(اشنویی، ۱۳۷۶: ۱)

کنایه از مردن

شرمم از کسب خود آید که به بازار فنا بهر خود درد اجل هم نخریدم رفتی

(همان: ۸۹)

کنایه از دنیا

مجاز

«از میان شکل‌های خیالی، آنچه کم‌ترین بسامد را در غزلیات دارد مجاز است. مجاز یکی از شگردهای کاربرد کلمات در معنای ثانویه است که عبارت است از «کاربرد واژه در غیر معنای اصلی و غیر ما وضع له که برای رسیدن به معنی مجازی و عدول از معنی حقیقی باید مناسبتی یا علاقه‌ای بین معنی حقیقی و مجازی وجود داشته باشد. تا ذهن بتواند به مفهوم موردنظر شاعر برسد.» (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸)

جهان و آخرت باشد مطیع امر و فرمانت به نور خود بکن روشن چراغ دو جهانم را
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۱)

تلمیح

«تلمیح: به گوشه چشم اشاره کردن و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند.» (همایی، ۱۳۸۶، ۳۲۸) بدون شک کاربرد گسترده تلمیح در شعر هر شاعری نشان از اطلاع وسیع او بر دانش گذشته و حال دارد. امین اشنویی از شاعرانی است که آرایه تلمیح را به صورت وسیع در غزلیات خود به کار برده است. کاربرد تلمیحات دینی، اساطیری و عاشقانه نسبت به دیگر تلمیحات بیشتر است. تلمیح در غزل‌های امین اشنویی در حوزه‌های زیر به کار می‌رود:

۱ تلمیحات دینی

الف) آیات قرآن:

چون بعد عسر یسرا دیده امین در اشنود بعد از فراق وصلت باشد عقیده ما
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۳)

حور در قصر جنان باشند محو آن جمال چون گل من روز محشر از تراب آید برون
(همان: ۷۸)

ب) معجزات و صفات پیامبر اکرم (ص)

ای شه سوار آسمان سردار کل انس و جان بودی نبی در آن زمان آدم میان ماء و طین
(همان: ۷۸)

پرواز ز روی خاک کردی تو شه لولاک شد طارم نه افلاک جولانگه میدان

(همان: ۱۸)

پ) حضرت یوسف

بیا ای یوسف دلدار و مطلوب که از هجر تو نابینا است یعقوب

(همان: ۷)

ت) منصور حلاج

حلاج یکی از بزرگ‌ترین عارفان تأثیرگذار در عرفان اسلامی است و داستان مرگ او بازتاب فراوانی در ادبیات و عرفان اسلامی دارد.

منصور صفت سر برود بر سر دارم گر ساعتی از یاد تو غافل به سر آرم

(همان: ۷۰)

ث) تلمیحات اساطیری

یک شب به وصال تو اگر شاد کنم دل خوش‌تر بود از شاهی و از تاج فریدون

(همان: ۸۳)

ج) تلمیحات عاشقانه

از داغ تو عذرا شده‌ام وامق شیدا از عشق تو لیلی من دیوانه چو مجنون

(همان)

با توجه به این که اساطیر ایرانی جایگاه خاصی در شعر فارسی دارند، امین اشنویی با این اساطیر به خوبی آشناست و در این راستا هنرآفرینی می‌کند و به مضامین شعر فارسی هویت و اصالت می‌بخشد. در این قسمت به سکندر و دارا، فریدون، کیکاووس و جم و خسرو و پرنده اسطوره‌ای ققنوس اشاره کرده است؛ و در مورد تلمیحات عاشقانه پیش‌تر به داستان‌های عاشقانه، چون لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد، وامق و عذرا اشاره دارد.

اغراق

یکی از آرایه‌های مورد تأکید امین اشنویی که در اشعار وی نمود گسترده‌ای دارد اغراق است. «اغراق آن است که در صفت کردن و ستایش و نکوهش کسی یا چیزی افراط

و زیاده‌روی کنند. چندان‌که از حد غایت معمول بگذرد و برای شنونده شگفت‌انگیز باشد.»
(همایی، ۱۳۸۶: ۲۶۲)

آن‌چنانم بر لب جو همچو یک سرو ضعیف می‌توانم دید مغز استخوان خود در آب
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۶)

و همچنین نک: ابیات صفحات: ۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۳۷، ۴۲، ۶۰، ۶۵.

۷۱

مراعات نظیر

«این صنعت چون گوینده جمع کنند سخن اندر میان چیزهایی که نظایر یکدیگر باشند؛ یعنی چون ماه و آفتاب و دریا و کشتی و آنچه بدین ماند. آن سخن را مراعات‌نظیر خوانند.» (رادویانی، ۱۳۶۲: ۷۵) آرایه مراعات‌نظیر نقش بسزایی در زینت و زیبایی کلام دارد و خواننده از تناسب بین اجزا کلام لذت می‌برد. این آرایه در غزلیات امین اشنویی به فراوانی دیده می‌شود.

هرطرف بینی در اشنو کرده جان‌ها را هدف تیر مژگان خدنگ آن کمان ابروی ما
(همان: ۱)

همچنین نک: ابیات صفحات ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۴۰، ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵

ایهام تناسب

«آنچه را علمای بدیع ایهام تناسب نامیده‌اند نوعی مراعات‌النظیر است، مراعات‌النظیری که در نتیجه دو معنایی بودن یکی از واژه‌ها به وجود می‌آید. به عبارت دیگر جمله در معنای موردنظر گوینده تناسب ندارد اما معنای دوم یک واژه با یکی از واژه‌های کلام تناسب معنایی دارد.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۱۴۱)

دل به امید وصال زندگی می‌کرد شاد نخل امیدم دریغا شد ز وصال بی‌ثمر
(همان: ۴۱)

سیاقه الاعداد

«آن است که چند چیز مفرد متوالی ذکر کنند و بعد از آن یک فعل برای همه بیاورند.»
(همایی، ۱۳۸۶: ۲۹۱) این آرایه معنوی ده بار در غزلیات به کار رفته است.
امین چون سائلی بر درگهت کج کرده گردن را نخواهد دولت و جاه و جلال و مال و مکنت را
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۴)

تنسيق الصفات

«در تعریف تنسيق الصفات گفته‌اند: آن است که برای یک چیز صفات پی‌درپی بیاورند.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۱۲۶)
هر طرف بینی در اشنو کرده جان‌ها را هدف تیر مژگان خدنگ آن کمان ابروی ما
(امین اشنویی، ۱۳۷۶: ۱)

تجاهل العارف

«عارف به معنی دانا و صاحب معرفت و تجاهل مصدر باب تفاعل است به معنی جهل و نادانی را به خود بستن و خود را به نادانی زدن. پس تجاهل عارف آن است که گوینده سخن با وجود اینکه چیزی را می‌داند، تجاهل کند و خود را نادان وانمود نماید و این صنعت، چون با لطایف ادبی همراه شد موجب تزیین و آرایش کلام می‌شود.» (همایی، ۱۳۸۶: ۲۸۶)

من مریض درد عشقم چاره‌ام جز مرگ نیست راضی و شادم به مردن قابض جانم کجاست
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۱۲)

ابداع

«در اصل به معنی چیز تازه و نو آوردن و در اصطلاح آن است که در یک عبارت نظم یا نثر، چند صنعت بدیعی را با یکدیگر جمع کرده باشند.» (همایی، ۱۳۸۶: ۳۱۳) در ابیات زیر آرایه اغراق، حسن تعلیل و تجاهل العارف و تشبیه مضمّر دیده می‌شود.
گر رؤیت دو مه به یکی جای محال است روی تو چرا چون مه و ابروت هلال است
آیینه گر از آه کند رنگ تبدیل پس روی تو از باد چرا صاف و زلال است
آن نقطه مشکین به رخ صفحه کاغذ آن داغ دل عاشق یا دانه خال است
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۱۳)

تشخیص

زلفت به پای بند دل‌ها نهاده دامی چشمت به قتل جانم آماده کرده خنجر

(اشنویی، ۱۳۷۶: ۴۲)

مژده شادی به گوش دل غمگین برسان نور یک ماه جمالت به شب تار بیار

(همان: ۴۳)

حسن تعلیل

«حسن تعلیل آوردن دلیل شاعرانه و خیال‌انگیز و زیبا برای امری است. دلیلی ادعایی

نه واقعی برای زیبایی‌آفرینی.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۱۴۶)

تا پریشان شد به رویت تار زلف عنبرین چون امین اشنویی شد نظم اشعارم غلط

(اشنویی، ۱۳۷۶: ۵۶)

اگر از جویبار دیده‌ام سیلاب خون آید ندیدم قامت سرو ترا در بر خداحافظ

(همان: ۵۶)

رد العجز علی الصدر

«آن است که لفظی که در اول بیت و جمله نثر آمده است، همان را بعینه یا کلمه شبیه

متجانس آن را در آخر بیت و جمله نثر باز آرند...» (همایی، ۱۳۸۶: ۶۷)

فراق نیک برآورد کام دل از من کنون که دور ز وصلم شدم به کام فراق

(همان: ۶۱)

تقسیم

«همانند لف و نشر است جز این که در لف و نشر رابطه میان اجزا و وابسته‌ها را

خواننده خود باید دریابد اما در تقسیم این رابطه مشخص شده است.» (وحیدیان کامیار،

۱۳۷۹: ۸۷)

ای قامت تو سرو و ای عارض تو چون گل ای بوی تو چون ریحان ای موی تو چون سنبل

(همان: ۶۴)

ماده تاریخ

«هرگاه واقعه یا حادثه‌ای با اهمیت تاریخی رخ دهد، گویندگان یا شاعران بزرگ، گاهی عبارت یا بیت یا مصرعی پردازند که چون با حساب ابجد به شمار گرفته شود، سال آن حادثه یا واقعه مشخص و معین گردد و غرض اصلی از این کار، دانستن و حفظ کردن وقایع مهم عالم از قبیل تأسیس حکومت‌ها و تاریخ جلوس و مرگ فرمانروایان و تاریخ وفات علما و دانشمندان و شعرا و مورخان مشهور و تاریخ بنای کاخ‌های عظیم و مساجد گران‌قدر و مشاهد متبرکه و تاریخ جنگ‌ها و فتوحات کشورگشایان و تألیف کتب و حوادث و سوانح روزگار و وقایعی از این دست است.» (سادات ناصری، ۱۳۶۹: ۱۱۱)

ای امین بهر وفات شیخ تاریخی بگو هرکسی خواند بگوید رفت شاه صدرالدین (اشنویی، ۱۳۷۶: ۸۰)

ملمع

آن است که فارسی و عربی را در نظم به هم آمیخته باشند، چنانکه مثلاً یک مصراع فارسی و یک مصراع عربی یا یک بیت یا چند بیت فارسی و یک بیت عربی بگویند.

(همایی، ۱۳۸۶: ۱۴۶)

گر به تن دورم ز خدمت دل همیشه پیش توست یا حبیبی یا مرادی انت لی نور البصر (اشنویی، ۱۳۷۶: ۴۱)

ارسال مثل

«مثل سخن فشرده‌ای است بامعنی بسیار و معمولاً نشان دهنده تجربه‌های یک ملت در طی اعصار و قرون. در حقیقت تجربه‌های گوناگون که متضمن مطالب حکیمانه است در قالب مثل شکل می‌گیرد.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۱۵۰)

گر دست به زر افکند آن دم بشود خاک ور تشنه شود آب به دریا بنماند (اشنویی، ۱۳۷۶: ۳۲)

سؤال و جواب

«سؤال و جواب آن است که شاعر در منظومه‌ای مطالب یا وقایعی را در لباس پرسش و پاسخ مطرح کند. در این صنعت هرگاه نظر یکی از طرفین، مخالف رای و نظر دیگری باشد آن را صنعت مناظره دانند.» (سادات ناصری، ۱۳۶۹: ۱۰۳)

گفتم به گل سرخ که معشوقه تویی از عاشق خود چرا نداری تو خبر
گفتا که وفایی نبود بلبل را هر دم به گلی عشق نماید اظهار
(اشنویی، ۱۳۷۶: ۴۳)

نتیجه گیری

با بررسی آثار یک دوره و نویسندگان و شاعرانش ممکن است به شاعر یا نویسنده‌ای برخورد کنیم که آثار او از نظر ادبی نسبت به هم‌عصران خود متفاوت باشد. بررسی سبک ادبی امین اشنویی در شناخت شعر و شخصیت ایشان بسیار مؤثر است. با انجام این تحقیق به این نتیجه دست یافتیم که شعر امین اشنویی در بسیاری زمینه‌ها دارای ظرفیت‌هایی است و این تا حدی باعث تشخیص ایشان به‌عنوان یکی از غزل‌سرایان متوسط معاصر می‌تواند باشد.

۱- بسامد بالای واژگان می‌تواند بیانگر سبک شخصی امین اشنویی باشد. بسامد برخی کلمات خاص در شعر ایشان هست که خواننده یا شنونده به محض شنیدن، می‌تواند حدس بزند که شعر از امین اشنویی است. در واقع این‌ها کلمه‌های کلیدی شاعر به شمار می‌آیند که به‌طور نسبی در شعر او بیشتر جلوه می‌کنند تا در شعر دیگر شاعران.

۲- بسامد متوسط تشبیهات، استعارات، صفات و واژگان و اصطلاحات نو و ابتکاری یا به‌طور کلی نوآوری‌ها و بازتاب بالای انواع تلمیح در شعر امین اشنویی نیز چشمگیر است و می‌تواند بیانگر سبک شخصی وی باشد.

۳- استفاده از اوزان با بسامد بالا در شعر و اوزان تکراری موردعلاقه وی چون فاعلاتن نیز در تشخیص ایشان مؤثر است.

تشبیه مهم‌ترین صور خیال از بین صورت‌های خیالی در شعر امین اشنویی است. چون شعر وی بیشتر پیرامون عشق، مسائل اجتماعی، عرفانی و همچنین توجه به پدیده‌ها و جهان پیرامون است، به لحاظ عناصر تشبیه دارای تنوع بسیاری است و از میان این عناصر، بیشتر به اوضاع و احوال انسانی و طبیعت توجه داشته است. همچنین از نظر حسی و عقلی بودن و مفرد و مرکب بودن تشبیه، امین اشنویی به تشبیهات

حسی به حسی و مفرد گرایش بیشتری داشته است. همچنین تقریباً ۲۵/۹۸ درصد انواع استعاره ۵/۸۸ درصد انواع کنایه و ۴/۴۱ درصد انواع مجاز در شعر وی به کار رفته است (همچنان که قبلاً گفته شد در یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت آماری و بسامد سبک ادبی کل اشعار اوست. در ۱۲۳ غزل و شامل ۹۲۴ بیت)

امین اشنویی یکی از شاعران کردستان است که استفاده از آرایه‌های لفظی و معنوی خصوصاً تلمیح به کلامش رونقی خاص بخشیده است و جایگاه ادبی آن‌ها را به‌عنوان شاعر کرد خوش ذوق برجسته‌تر کرده است. از لطایف شعر امین اشنویی، نه تنها وجود تلمیحات فراوان در آن، بلکه تبهر و ویژه او در به‌کارگیری این صنعت ادبی است از مطالعه و بررسی فراوان اشعار آن دو، کاربرد تلمیح در اشعار وی ما را به این نتیجه‌گیری می‌رساند که بیشترین تلمیحات و اشارات اسلامی نسبت به مفاهیم عرفانی داشته‌اند. این امر نشان از عنایت و تسلط امین اشنویی بر مفاهیم قرآنی و اسلامی و زبان عربی دارد. با در نظر گرفتن تلمیحات به دست آمده، مسلم می‌گردد که امین اشنویی بر ادبیات اسلامی و علوم قرآنی تسلط داشته است که این هم تحت تأثیر سنت و میراث ادبی و عربی آن زمان خود برای فرهیختگان بوده و عربی‌دانی از ویژگی‌های برتری بزرگان شعر و ادب بوده است. غزلیات فراوان و استفاده از صنایع لفظی و بدیعی در اشعارش دیده می‌شود.

منابع

- امین اشنویی، (۱۳۷۶)، دیوان (اشعار فارسی)، به کوشش احمد بلدی، ارومیه: صلاح‌الدین ایوبی
- تجلیل، جلیل (۱۳۸۵) معانی و بیان، تهران: مرکز نشر دانشگاه
- شمس‌الدین محمد بن قیس الرازی. (۱۳۶۰) المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی و تصحیح مدرس رضوی تهران: زوار
- سادات ناصری، سید حسن (۱۳۶۹)، فنون و صنایع ادبی، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) کلیات سبک‌شناسی، چاپ سیزدهم، تهران: فردوس.
- _____ (۱۳۷۴)، بیان چاپ پنجم، تهران: نشر فردوس
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲) صور خیال در شعر فارسی، ج پنجم، تهران، نگاه
- علوی مقدم، محمد و اشرف زاده، رضا (۱۳۸۸)، معانی و بیان، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت)
- عبادیان، محمود، (۱۳۷۲)، درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات، تهران: نشر آوای نور
- فرشید ورد، خسرو (۱۳۶۳)، درباره ادبیات و نقد ادبی، ج ۲، تهران: امیرکبیر
- کاکه‌رش، فرهاد (۱۳۹۷)، تأملی در زندگی، تلمیحات و اندیشه‌های اسلامی پارسی گوی کرد ناشناخته (امین اشنویی)، چهارمین کنگره بین‌المللی پژوهش دینی ایران - گرجستان، دانشگاه قم - اردیبهشت
- _____ (۱۳۹۷) امین اشنویی، شاعر کرد ناشناخته و سهم وی در شعر فارسی و فرهنگ ایرانی، کنگره بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، شیراز، ۱۳۹۷ مهرماه
- کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۶۸)، زیباشناسی سخن پارسی، تهران: کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز)
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۹۳) وزن و قافیه شعر فارسی، ج ۸، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹)، بدیع از دیدگاه زیباشناسی، تهران: دوستان
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۶) فنون بلاغت و صنایع ادبی، تهران، طوس

